

پروانه قاسمی:



طناب دار

زان طناب داری که بر گردنش بود

پرسیدم آخرین کلامش چه بود؟

گفتا به ظلم ظالمان دشنام می داد

پرسیدمش چگونه روزگاری ست؟

گفتا ظالمان ظلم می رانند

روزگار سیاه و تلخی است

بیگناهان بر دار، نادانان در کارند

کودکان بر دار، کودکان بر دار
ابلهان در تماشای جنایات هلهله سر می دهند
ظالمان غدار جنایت پیشه
ابلهان خود جانیانند، خود ظالمانند
وای بر من، وای بر تو، وای بر ما...

مادران داغدار ضجه می کشند
کودکان بر دار، مردان و زنان بر خاک
تا این ظالمان خون آشام بر کارند
همه جا دار، دار، دار
بر کوی و برزن خون می بارد
همه جا دار، دار، دار
وای بر من، وای بر تو، وای بر ما باد
باید شور شویم، سیلی شویم

برو بيم تعفن را از در و ديوار اين ديار سياهی
تا روشنايی بتابد تا روشنايی بتابد ...

پروانه قاسمی؛ ۵ اکتبر ۲۰۱۱

ghassemi2@yahoo.ca

www.djaber-ka-parvaneh-gh.com